

# «گردهمایی مؤسسات تحت کنترل کارگری آمریکای لاتین» نخستین

چاوز و اعلام مصادره های جدید  
از نشریه ریپوست La Riposte  
دسامبر ۲۰۰۵، ژانویه ۲۰۰۶

ترجمه ی بهزاد مالکی

مقدمه ی مترجم:

نوشته ای که در زیر می خوانید گزارشی ست از نخستین گردهمایی کارگران و سندیکالیست های شرکت کننده در جنبش اشغال و کنترل کارگری کارخانه ها در آمریکای لاتین که با حضور نماینده های حکومت ونزوئلا در کاراکاس در ماه اکتبر گذشته برگزار گردید. همان طور که در نوشته ی «دموکراسی مشارکتی» (آرش ۹۲-۹۳) اشاره شده بود جنبش مردم ونزوئلا برای آزادی و دموکراسی و بهبود شرایط زندگی خویش، به اتکای نیروی خودجوش کارگران و زحمتکشان گام های نوینی را در مقاومت و سازماندهی و کسب استقلال و حاکمیت بیشتر خود بر می دارد و این بار، با برگزاری اجلاس فوق، مرزهای ملی را پشت سر گذارده و فعالین کارگری کشورهای چون بولیوی، برزیل و آرژانتین را دربر گرفته است.

اهمیت حوادث اخیر در ابتکار عملی ست که جنبش کارگری به دست آورده و در ونزوئلا با سازماندهی مقاومت و مبارزه، دولت را وادار به اتخاذ تصمیم هایی به نفع کارگران و زحمتکشان نموده است. همچنان که در گزارش آمده در جنبش اشغال و کنترل کارگری کارخانه ها، مسأله ی ملی کردن مؤسساتی که به حال خود رها شده اند و یا مؤسساتی که صاحبانشان در آنها به تخریب صنعتی دست می زنند در دستور کار دولت قرار گرفته و این امر را به ابزار مطوئنی برای حمایت از اقدامات کارگران و تدویم و تأمین اداره ی تولید به نفع مردم بدل ساخته است. یا در بولیوی، این جنبش از طریق کنفدراسیون کارگران بولیوی (COB) فعالانه در مبارزه ی مردم شرکت کرده و با حضور گسترده ی کارگران و دهقانان در جنبش ماه مه - ژوئن ۲۰۰۵ موجبات سرنگونی رژیم محافظه کار و وابسته به آمریکای "کارلوس مزا" را فراهم آورده است. "خاییم سولار" رهبر این کنفدراسیون بر ضرورت حکومت کارگران و دهقانان تأکید می کند و جنبش اعتصاب عمومی بعد از ماه مه - ژوئن با پایه گذاری ساختارهای دموکراتیک زیر کنترل توده ای، مانند کمیته های اعتصاب، کمیته های محلات، مجامع عمومی توده ای، علاوه بر سازماندهی و هدایت مبارزه ی عمومی به برپایی ارگان هایی برای انجام وظایف عملی چون توزیع مواد غذایی و انرژی پرداخته است.

در ۸ ژوئن ۲۰۰۵ در شهر "ال آلتو" که پایگاه مهم مبارزه ی توده ای در بولیوی گردیده، مجمع ملی مردمی آشکارا خواستار ایجاد مرکزیتی برای کمیته های مبارزه و سندیکاهای انقلابی در جهت تشکیل ارگان های قدرت برای مبارزه و کنترل مطبوعات، توزیع مواد غذایی و دفاع از خود (تسلیم کارگران و دهقانان) گردید.

انتخابات اخیر در ماه دسامبر که به روی کار آمدن "اوو مورالس" رهبر بومی حزب چپ گرای MAS منجر شد یادآور انتخاب هوگو چاوز در ونزوئلا ست. حکومت "مورالس" با توجه به اوضاع عمومی جنبش کارگران و دهقانان بولیوی و جو عمومی در آمریکای لاتین به خصوص کشور همسایه یعنی ونزوئلا

نمی تواند حکومتی اصلاح طلب و ثابت باقی بماند. همه چیز به میزان سازماندهی و آمادگی و آگاهی کارگران و دهقانانی بستگی دارد که جنبش ماه مه - ژوئن را به پیش برده اند.

آنچه از نقطه نظر تجربی و ارتباطش با مباحثات جاری در میان فعالین کارگری و روشنفکری ایران (که به ویژه در شماره ۹۳-۹۲ آرش به تفصیل بیان شد) اهمیت دارد و گمان می رود که باید بر آن تأکید نمود نقشی ست که تشکل های مختلف کارگری در جنبش عمومی و انقلابی در این کشورها ایفا می کنند.

برای مثال ما شاهدیم که در ونزوئلا همزمان با رشد جنبش سیاسی، سندیکای زرد وابسته به کارفرمایان با رهبران بوروکرات و فاسد جا رو شده و جای آنها را سندیکاهای انقلابی مانند اتحاد ملی کارگران (UNT) که کنفدراسیون جدید کارگری ست گرفته است. سندیکاهای کارگری که در شرایط آرام، وظیفه ی دفاع از حقوق کارگران و مذاکره با دولت و کارفرمایان را به پیش می برند با رشد جنبش عمومی و سیاسی و بالا گرفتن تب انقلابی به نقش آفرینان فعال جنبش سیاسی و انقلابی تبدیل شده اند و ما از زبان رهبران آنها چون "ارلاندو چیرینو" (همآهنگ کننده ی سراسری اتحاد ملی کارگران) و یا خاییم سولار رهبر COB و یا سرژ گولارد همآهنگ کننده ی شورای متحده ی کارگران برزیل شعارها و تزهایی را می شنویم که کاملا سیاسی و انقلابی ست و اصلی ترین خواست های کارگران را در جهت نابودی قطعی سرمایه داری و امپریالیسم بیان می دارد.

روند سیاسی شدن سندیکاها و تحول آنها و تشکیل سندیکاهای جدید و انقلابی در این کشورها به خوبی نشان می دهد که این فرم از تشکل کارگری از ظرفیت های مختلفی برخوردار است و این برخلاف دیدگاه هایی ست که می خواهند صرفا سندیکالیسم را در چارچوب وظایف اقتصادی و مذاکره با دولت بورژوازی نگاه دارند و یا آنهایی که برعکس، با تکیه بر این دیدگاهها می خواهند آن را شکلی از مبارزه ی کارگران علیه تسلط سرمایه نفی کنند. واقعیت های عملی جنبش کارگری خلاف آن را نشان می دهد و نکته ی جالب در این جریان این است که ما در کنار رشد جنبش سندیکایی، شاهد تشکیل کمیته های کارخانه ها و محلات در همه جا هستیم که علاوه بر سازماندهی اعتصاب و مبارزه در شرایط بحرانی، به ارگان هایی برای انجام وظایف عملی تبدیل می شوند و این کار را در همکاری و نزدیک شدن با سندیکاها و اتحادیه ها انجام می دهند.

پدیده ی دیگری که به ویژه در ونزوئلا و آرژانتین قابل توجه است تشکیل کمیته های کارخانه برای کنترل و اداره ی واحدهای تولیدی و خدماتی ست که یا توسط سرمایه داران رها شده و به ورشکستگی کشانده شده اند و یا به خرابکاری در روند تولید و اداره ی جامعه به کار می روند. کنترل کارگری که گزارش زیر بدان پرداخته تا آنجا پیش رفته که با ارائه ی برنامه و راه حل به دولت، روند ملی کردن این صنایع و به تبع آن اجتماعی کردن وسایل بزرگ تولیدی را در دستور روز جنبش کارگری قرار داده است.

در جنبش ماه مه - ژوئن بولیوی تحول برخی از این کمیته های کارخانه به ارگان هایی که علاوه بر وظایف جاری، وظایف عمومی ای چون توزیع مواد غذایی و انرژی و تسلیح کارگران و دهقانان را نیز در دستور کار خویش قرار داده است و طلایع های شوراهای کارگران را نوید می دهد و این همه نه در تقابل و تضاد با هم، بلکه در همکاری و همیاری با یکدیگر و در جهت تکمیل هم پیش می رود.

بحث شورا و سندیکا در اوایل انقلاب ۵۷ در ایران به ویژه در میان فعالان خانهء کارگر (قبل از اشغال آن توسط حزب اللهی ها) بسیار رایج شده بود و امروزه ما شاهد از سرگیری آن در اشکال جدیدی هستیم. این بحث که به نوعی تبلور خود را در تقابل های نظری دو جریان تازه تأسیس یعنی کمیته ی پیگیری (همراه با هیأت مؤسسان سندیکاهای کارگری) و کمیته ی همآهنگی... و محافل حاشیه ای

آنها نشان می دهد، آشکارا با تجارب گذشته و حال جنبش عملی و نظری در تضاد است. روشن است که شوراها و سندیکاها آلترناتیو یکدیگر نیستند، بلکه مکمل هم می باشند. طرح مجامع کارگری از سوی حزب کمونیست کارگری (حکمت) و قرارداد آن به عنوان آلترناتیو سندیکا و شورا و کمیته کارخانه، خود به نوعی دیگر، به سر درگمی و اغتشاش دامن می زند و این ضرورت را که طبقه ی کارگر در شرایط مختلف مبارزه به ابزارهای متفاوتی برای تحقق خواست هایش نیاز دارد نفی می کند، امری که موجب تقلیل مبارزه ی او و تضعیف قدرتش در مقابله با سرمایه داری خواهد شد.

این تجارب که پیش چشم ما جاری ست بیهودگی نظری برخی از طرفداران حزب توده را نیز برملا می کند که هنوز بر پایه ی تعریف ناقص آنان از سندیکا، به معنای سازمان صنفی یا رشته ای کارگران، در رؤیای احیای سندیکاهای کارگران خیاط و نانوا و کفاش و بافنده ی سوزنی هستند (هرچند این امر به هیچ وجه به معنای نفی تشکیل این سندیکاها در جهت دفاع از منافع کارگران این رشته ها نیست).

سندیکاها و اتحادیه ها، سازمان های کارگران مزدی یک رشته ی صنعتی و خدماتی، و کنفدراسیون ها در مواردی بخش وسیع کارگران مزدی و خدماتی را در همه ی رشته ها متشکل می کنند و استخوان بندی اصلی آن در واحدهای بزرگ تولیدی و خدماتی می باشند. همین تجارب به ما نشان می دهد که محدود کردن وظایف و عملکرد تشکل هایی چون سندیکا و اتحادیه، بی توجه به رویدادهایی که به هم خوردن توازن قدرت طبقاتی در جامعه ایجاد می کند تا چه اندازه کلیشه ای و غلط است.

اتحادیه ها و کمیته های کارگری در ونزوئلا و بولیوی پایشان را خیلی فراتر از این وظایف کلیشه ای گذاشته اند که برخی از فعالین کارگری - روشنفکری ما می خواهند برای آنها قائل شوند. ما از زبان فعالان و رهبران آنها طرح ها و نظراتی را می شنویم که عموماً در حوزه ی وظایف احزاب کارگری هستند. شاید بی مورد نباشد اشاره کنیم که در غیاب احزاب کارگری ریشه دار که بتوانند عرصه های گوناگون مبارزه ی کارگران را در این کشورها در یک بستر واحد جمع کنند، شخصیت هایی چون چاوز و مرالس یا رهبران سندیکاها به جلو رانده شده اند تا بخشی از این وظایف احزاب را انجام دهند. اگرچه این می تواند نقطه ضعف مهمی برای جنبش کارگری در این کشورها برای رسیدن به قدرت و تأمین هدف نهایی اش باشد. اما این مانع از آن نیست که بپذیریم این در حد ظرفیت و وظایف هر تشکل کارگری ست که در شرایط معینی که توازن قدرت طبقاتی اجازه دهد به مسائل عمومی و سیاسی این طبقه بپردازد زیرا دیوارهای بتونی این وظایف را که در تشکل های مختلف کارگران تبلور می یابد از هم جدا نمی سازد.

در اینجا جا دارد خواننده را به جلد اول، فصل نوزدهم کتاب «بررسی و نقد مسائل بنیادی» یک دنیای بهتر" در نقد نظرات کمونیسم کارگری حکمت» نوشته ی سهراب شباهنگ و بهروز فرهیخته (سایت [www.azarakhsh-org.net](http://www.azarakhsh-org.net)) که به بهترین نحوی به روشن کردن این توهمات در جنبش کارگری ایران پرداخته رجوع دهیم (به ویژه صفحات ۲۹۳ و ۲۹۵).

ترجمه ی گزارش زیر و ارائه ی سایر ترجمه ها و نوشته ها درباره ی جنبش کارگری و دهقانی در آمریکای لاتین (مکزیک، برزیل، پرو، بولیوی، آرژانتین، ونزوئلا، کلمبیا و...) در رسانه ها و سایت های اینترنتی، علاوه بر آگاهی بخشیدن از زیر و بم این جنبش ها (که در رسانه های خبری فارسی کمتر منعکس می شود) برای فعالین چپ ایرانی حاوی تجربیات نوینی ست که ضعف جنبش کارگری در کشور ما و بدآموزی های تئوریک تاریخی آن راه را برای تفسیرها و جدل های نابجا باز گذاشته است از جمله درباره ی کار علنی و غیر علنی، قانونی و غیر قانونی که در این مورد نیز خواننده ی علاقه مند را به کتاب و سایت فوق مراجعه می دهیم.

## گزارش گردهمایی نمایندگان کارگری آمریکای لاتین

اکنون ترجمه ی گزارش گردهمایی نمایندگان کارگری آمریکای لاتین را ملاحظه می کنید که به قلم ژرژ مارتین دبیر انجمنی به نام "دستها از ونزوئلا کوتاه!" در نشریه ی ریپوست دسامبر ۲۰۰۵ - ژانویه ۲۰۰۶ منتشر شده است:

از ۲۷ تا ۲۹ اکتبر ۲۰۰۵ متجاوز از ۴۰۰ نماینده ی کارگری از ۲۳۵ مؤسسه ی اشغال شده و ۲۰ سندیکای ملی در نخستین گردهمایی مؤسسات تحت کنترل کارگری آمریکای لاتین در کاراکاس شرکت کردند تا به بحث و تبادل نظر و تجربه پرداخته و نتایج سیاسی مبارزاتشان را جمع بندی نمایند. این حادثه ای واقعاً تاریخی ست. چنین تجمعی تنها در ونزوئلای انقلابی تحت حمایت حکومت چاوز می تواند انجام شود.

در مراسم گشایش این اجلاس که در تئاتر "ترزا کارنو" برگزار گردید، رئیس جمهور چاوز گفت در حالی که سرمایه داری کارخانه ها را می بندد کارگران بایستی دوباره آنها را به کار اندازند. او این عمل را با مبارزه برای کسب استقلال در قرن ۱۹ قابل مقایسه دانست. وی در سخنان خود به «ظرفیت کارگران قاره در گسستن زنجیرهایشان و رها شدن از چنگال سرمایه داری» اشاره و تأکید خاص کرد. تریبون این مجمع از چند وزیر ونزوئلایی و رهبران سندیکاهای چند کشور آمریکای لاتین و کارگران شرکت های مختلف که تحت کنترل کارگری هستند تشکیل شده بود.

چاوز در نطقش اظهار داشت که «سلب مالکیت از مؤسسات سرمایه داری که در قاره ی آمریکای لاتین در حال وقوع است، جزئی از مبارزه ی عمومی برای حاکمیت مستقل و رهایی از سلطه ی ایالات متحده ی آمریکا ست». او در عین حال به روشنی به نقش مردم و کارگران آمریکایی در این مبارزه اشاره نمود و بالاخره به توضیح دیدگاه هایش درباره ی جنبش سندیکایی و رابطه اش با دولت بولیواری [ونزوئلا] پرداخت. او تشکیل کنفدراسیون جدید کارگران، UNT (اتحاد ملی کارگران) را تهنیت گفته، یادآوری کرد که این کنفدراسیون جدید «زائده ی حکومت نیست و نباید باشد». او مجدداً بر خودمختار و آزاد بودن این نهادها تأکید کرد و گفت باید مدل قدیمی را کنار گذاشت، مدلی که در آن سندیکاها به معامله گری روی کارگران پرداخته و رهبرانی که همزمان با مذاکره با اربابان به پرکردن جیب خودشان می پرداختند».

وی پیشنهاد کرد شبکه ای از کارخانجات تحت اشغال تأسیس شود که اعضای آن بتوانند به همکاری و تبادل تجربه بپردازند. او در این همایش سلب مالکیت از دو مؤسسه ی جدید را اعلام کرد: یکی "سیدروکا" و دیگری کارخانه ی شکر "کوماناکوا". با اعلام این خبر سه هزار کارگر شرکت کننده در این همایش به پاخاسته شعار دادند: «این چنین باید حکومت کرد». کارخانه ی سیدروکا واقع در ناحیه ی زولیا سازنده ی لوله های فلزی برای صنایع نفتی ست و حدود ۶ سال است که کارفرمایش آن را رها کرده است. در ۶ سپتامبر گذشته گروهی از کارگران سابق و اهالی محل کارخانه را اشغال کردند تا کارفرما نتواند ماشین آلات را از محل خارج کند. سپس خواهان مصادره ی این کارخانه از صاحبان آن و قرار دادن آن تحت کنترل کارگری شدند. کارخانه ی شکر کوماناکوا از زمان خصوصی شدنش در ۱۹۹۲ بیشتر از ۵۰ درصد از ظرفیت اش کار نمی کند و اخیراً این میزان به ۲۰ درصد رسیده است.

کارگران کارخانه و تولید کنندگان محلی نیشکر خواستار مصادره ی آن بودند. آقای سرژ گولارد هماهنگ کننده ی شورای متحد کارگران در این باره گفت: ما اکنون با رئیس جمهوری سر و کار داریم که نه در حرف بلکه در عمل همراه با اردوی کارگران است.

چاوز همچنین به سایر مصادره ها اشاره کرد از جمله کارخانه ی تهیه ی رب گوجه فرنگی که کارگران آن از ۷ ژوئیه گذشته پس از یک مبارزه ی طولانی بر سر حقوق پرداخت نشده اقدام به کنترل این کارخانه کرده اند. به دنبال این اقدام روشن شد که کارفرما می خواسته انبار ذخیره ی خمیر گوجه فرنگی را بفروشد. از این رو کارگران خواستار سلب مالکیت کارخانه شدند و آن را تحت کنترل کارگری درآوردند. آقای رئیس جمهور تأکید کرد که هدف این سلب مالکیت ها این نیست که کارگران یکسبه ثروت اندوزی کنند بلکه بهره مند کردن کل جامعه از فرآورده های آن است. در این راستا ۵۷ کارگر این کارخانه به روشنی گفتند «ما نمی خواهیم ۵۷ سرمایه دار به وجود آوریم. ما در مسیر سوسیالیسم گام بر می داریم».

### گفتگو بر سر اشغال کارخانه ها:

در باره ی شکلی که مالکیت کارخانه های تحت اشغال باید به خود بگیرد بحث و گفتگوی زیادی درگرفت که در آن رفقای برزیلی که در کارخانه های تحت کنترل اداری کارگران کار می کنند بر شکل ملی کردن این کارخانه ها زیر کنترل مزد بگیران اصرار داشتند. سرژ گولارد در این مورد نظری قطعی داشت: «ما با ایده ی "اقتصاد تعاونی" مخالفیم. زیرا معنای آن این است که ما کارگران را به سرمایه داران بدل کنیم و موجبات تضعیف طبقه ی کارگر را فراهم نماییم. کارگران در بازی رقابت سرمایه داری فقط می توانند به سایر مؤسسات تولیدی لطمه بزنند. ما خواستار ملی کردن کارخانه ها تحت کنترل کارگری هستیم تا شرایط ایجاد کادر اداری جدیدی فراهم بیاید». وی اضافه کرد که این مبارزه فقط در کادر "ملی کردن بانک ها و مؤسسات چند ملیتی معنا دارد تا قادر به نقشه مند کردن اقتصاد در جهت تأمین منافع عمومی گردد و با قاطعیت نتیجه گرفت همان طور که نمی توان سوسیالیسم را در یک کشور بنا کرد به طریق اولی در یک مؤسسه هم نمی توان آن را به اجرا درآورد!»

در باره ی بحثی که چاوز در مورد سوسیالیسم قرن ۲۱ ایراد کرد سرژ گولارد گفت: «انقلاب ونزوئلا به نحوی اعجاب انگیز تزه های مارکسیست ها را تأیید می کند. این انقلاب با مبارزه علیه سلطه ی امپریالیسم و کسب استقلال ملی شروع شد، اما بعد از آن که طبقه ی کارگر با مبارزه اش علیه خرابکاری کارفرمایان در صنایع نفت وارد صحنه گردید انقلاب به جلو رانده شد. به همین ترتیب، ملی کردن مجتمع صنعتی - نفتی "ونه پال" در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۵ گامی دیگر در این راستا بود. در حال حاضر این انقلاب که با مبارزه علیه امپریالیسم آغاز شده یا اینکه به سمت سوسیالیسم پیش می رود یا برچیده می شود و له خواهد شد. سؤالی که در این مرحله مطرح است ملی کردن بانک ها و شرکت های بین المللی است که فقط به دست کارگران امکان پذیر است».

"ارلاندو چیرینو" هماهنگ کننده ی UNT (اتحاد ملی کارگران) در سطح ملی شرایطی را که در آنها اشغال کارخانه ها انجام شده بدین صورت تشریح می کند: "شرایط کنونی بیان تباهی و فساد سرمایه داری است که راهی جز تشدید استثمار و مقررات زدایی و بازگذاشتن دست سرمایه دار در تنظیم شرایط کار و قابلیت انعطاف آن ندارد. سرمایه داری دیگر آن نقش مترقی را که در گذشته داشت دارا نیست!"

مجموعه ی این جریانات بدون تضاد و مشکلات نمی گذرد. در ونزوئلا، به ویژه، اغلب کارگرانی که در جنبش اشغال کارخانه ها درگیر شده اند فاقد تجربه ی سندیکایی و مبارزاتی هستند و در این راه

دچار مشکلات فراوانی می شوند. اما برای ارلاندو چیرینو مسأله ی اصلی نجات عنصر کار و اشتغال در میان است. وظیفه ی سندیکا "ارائه ی آگاهی به جنبش خود به خودی ست با هدف نهایی دسترسی به اجتماعی کردن تولید".

چیرینو مانند نمایندگان کمپانی ملی الکتریسته ی ونزوئلا CADAFE که تحت کنترل و اداره ی کارگری ست، معتقد است که کنترل کارگری گامی مترقی و سازنده است و «تنها وسیله ی مغلوب کردن بوروکراسی و فساد که انقلاب بولیواری ونزوئلا را تهدید می کند».

**همبستگی انترناسیونالیستی و مبارزه با امپریالیسم:**

این گردهمایی خصلتی صریحاً ضد امپریالیستی داشت. حضور نمایندگان سازمان مرکزی کارگران بولیوی (COB) و انقلابیون سنتی معادن و کارگران بولیوی در این اجتماع چشمگیر بود. خاییم سولار دبیر COB اظهار داشت که انقلاب بولیوی در معرض تهدید و دخالت خارجی و بین المللی ست. همان طور که ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در پاراگوئه نزدیک مرز بولیوی در منطقه ی Chaco از آن خبر می دهد.

اوضاع هائیتی نیز در این اجتماع مورد بحث قرار گرفت. "خولیوتورا" از برزیل به روشنی اظهار داشت «نیروهای برزیلی در هائیتی در خدمت امپراتوری [ایالات متحده] قرار دارند». در بیانیه ی نهایی، سندیکاهای حاضر در این اجلاس، خواستار خروج ایالات متحده از عراق، افغانستان و هائیتی شدند. همچنین مخالفت شدیدی با ALCA (قرارداد تبادل آزاد تجاری با ایالات متحده) صورت گرفت. "ریکاردو موررا" از سندیکای PIT-CNT در کشور اوروگوئه گفت: انتگراسیون یا ادغام واقعی بر پایه ی مناسبات بازرگانی وجود ندارد، بلکه با تکیه بر طبقه ی کارگر، این انقلابی ترین طبقه ی اجتماعی ست که ادغام واقعی امکان پذیر است.

### کارگران بدون کارفرما:

بالاخره پس از سه روز بحث و مذاکره، ۵۰۰ نفر از نمایندگان سندیکاها و نمایندگان رسمی دولت ونزوئلا برای میتینگ پایانی جمع شدند. شور و هیجان همه جا به چشم می خورد. کارگران با مشت های فشرده شعار می دادند: «ماییم کارگران بدون کارفرما». این شعار در جنبش کارخانه های اشغالی آرژانتین همه گیر شد. نتایج کمیسیون های متعدد کاری قرائت شد و مورد تصویب قرار گرفت. سند مشترکی را که "تعهد کاراکاس" نامیده می شد یکی از رهبران کارگری قرائت کرد و با هلهله ی حضار تصویب گردید. کارگران کارخانه های تحت کنترل کارگری بیانیه ی سیاسی مستقلی ارائه دادند که با این کلمات بر اهمیت این دیدار تأکید داشت: «ما در اینجا گرد آمده ایم تا به پیشبرد جنبش خویش مدد رسانیم، از آن دفاع کنیم، به همیاری متقابل و تحکیم مبارزه با دشمن مشترک یعنی سرمایه داری بپردازیم که بذر جنگ و فقر را در سراسر جهان می پاشد». این بیانیه همچنین از حق اشغال کارخانه ها دفاع کرده در آن آمده بود: «سرمایه داران، رباخواران، مؤسسات بین المللی و چند ملیتی مسؤول ورشکستگی مؤسسات تولیدی هستند. هر کارخانه ای که بسته می شود قبرستانی برای اشتغال و کار خواهد بود. بنا بر این، کارگران در شهر و روستا، حق اشغال کارخانه ها و زمین ها را دارند تا از اشتغال خویش دفاع کنند».

این بیانیه همچنین به توضیح هدف ها و خصوصیات این جنبش پرداخته می گوید: «ما خواهان پیشرفت به سوی اقتصادی هستیم که کاملاً زیر کنترل کارگران قرار گیرد تا بتواند در جهت تأمین منافع عمومی، اقتصادی نقشه مند برقرار کند. جنبش ما ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری ست. جنبش کارگران سازمان یافته علیه مالکیت بزرگ خصوصی وسایل تولیدی که از آن در جهت جنگ و بهره کشی و

سرکوب مردم استفاده می شود».

این بیانیه جنبش را از خطراتی که در کمینش نشسته برحذر می دارد: «سرمایه داران و نهادهای بین المللی آنها ما را به دادگاه های خویش می کشانند و سعی در لگدمال کردن ما دارند. آنها سعی دارند با کشاندن کارگران به همکاری های طبقاتی، ما را تضعیف کنند و می کوشند در آنان این توهم را ایجاد کنند که ادغام فردی کارگران در سیستم سرمایه داری امکان پذیر است». برای مقاومت در برابر این تهدید، ما باید به ایجاد شبکه ای از کارخانه های اشغال شده تحت کنترل کارگری به وجود آوریم. «از این لحظه به بعد، ما متحداً مانند یک فرد در مقابل هر کشور و حکومتی که بخواهد به ما حمله کند یا کارخانه های تحت کنترل کارگری را ببندد به پا خواهیم خاست».

این بیانیه با این عبارات به پایان می رسد: «آنها زمین ما را می دزدند، ما آن را اشغال می کنیم. آنها جنگ برپا می کنند و مردمان را به نابودی می کشانند، ما از صلح دفاع می کنیم و از حاکمیت و پیوند خلق ها دفاع می کنیم. آنها به جدایی و اختلاف دامن می زنند و ما از وحدت دفاع می کنیم، زیرا ما طبقه ی کارگریم و حال و آینده ی بشریت ایم. ما همگان را به ادامه و گسترش این مبارزه دعوت می کنیم. ما در سال آینده دوباره گرد هم خواهیم آمد تا به تحکیم وحدت و مبارزه ی جمعی مان همراه با مردم و طبقه ی کارگر بر ضد دشمن مشترکمان بپردازیم. ما پیروز خواهیم شد».

این دیدار تاریخ جنبش سندیکایی آمریکای لاتین را رقم می زند. همان طور که سندیکالیست پاراگوئه ای "ریکاردو موررا" گفته است: "ما نشان دادیم که کارگران قادرند کارخانه ها را اداره کنند و این نشانه ی آن است که ما قادر به اداره ی جامعه هم هستیم".  
خورگه مارتین دبیر بین المللی انجمن "دست ها از ونزوئلا کوتاه!".

برای اطلاع بیشتر رک. به [www.pastoucheavenezuela.org](http://www.pastoucheavenezuela.org)

(منتشر شده در آرش ۹۴)